

چگونگی طراحی ورودی بنا با توجه به اصول شکل‌گیری معماری آستانگی

سارا دانشمند^{۱*}، عبدالحمید نقره‌کار^۲

^۱ دانشجوی دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران

^۲ دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران

(تاریخ دریافت: ۹۱/۱۲/۱ تاریخ پذیرش: ۹۲/۲/۲۵)

چکیده

فضای بین فضاها، و زمان بین زمان‌ها انرژی متفاوتی را در خود دارند. این کیفیت در آستانگی به نمایش در می‌آید؛ بازه‌ای بحرانی از انتقال که کاملاً از نظر شخصیت از تجربه‌های پیشینی و پسینی خود متمایز است. شخصیت بخشی به این انرژی انتقال برای ساخت فضاها، قدرت‌مند که وظیفه اصلی انتقال را بر عهده دارند (آستانه‌ها) ضروری است. چگونگی تجلی «آستانگی» در معماری را می‌توان در بناهای موجود تحت عنوان «معماری آستانگی» به بحث گذاشت؛ زبانی که برای تمام فضاها، که بر مسأله انتقال تأکید دارند - یکسان است. از جمله این فضاها، آستانه عبارتند از: ورودی‌ها و بازشوها، فضاها، گذر و فضاها، تقسیم، بنا بر این، «آستانه» طیف معنایی گسترده‌ای دارد که کم و بیش ناشناخته مانده است. با توجه به این که اصول شکل‌گیری آستانگی بر چگونگی طراحی انواع آستانه‌ها اثر می‌گذارد، لازم است ابعاد گسترده این واژه نوظهور بررسی شود. این مقاله با هدف شخصیت بخشی به مکان‌های آستانه با استفاده از نسخ علمی و از دیدگاه پدیدارشناسی به تحلیل و ارزیابی انواع آستانه‌ها می‌پردازد. آستانگی در ادبیات، پژوهش‌های علمی، فرهنگی و تاریخی، مباحث معماری و نمونه‌های موردی آن جستجو و کیفیت‌های این زبان کاربردی (معماری آستانگی) برای طراحی‌های آینده بیان شده است. در این روش هفت الگوی آستانگی در بحث تغییر و تحول و نو شدن در سلسله مراتب فضایی معماری مطرح می‌شود و انتقال را دوره‌ای بحرانی در فرآیند تغییر و تحول تعریف می‌کند. در نهایت، از چهار دسته مکان آستانه‌ای (آستانه ورود و خروج، آستانه تجمعی، آستانه حرکت انتقالی و آستانه ارتباط بیرونی) در کالبد معماری و شهرسازی یاد شده و تجلی آن‌ها در چهار مقیاس (بنا، واحد همسایگی، محله و شهر) شناسایی گردیده است. با تبیین ورودی‌ها به عنوان یکی از انواع مکان‌های آستانه، پژوهش به نوع خاصی از آن (ورودی بنا) محدود شده است. در ادامه، ویژگی‌های ورودی بنا مستخرج از مطالعات محققان و نیز لایه‌های آن (لایه آشنایی، لایه عملکردی - تماسی و لایه دسترسی بصری) به بحث گذاشته شده است. سپس با توجه به علل چهارگانه تأثیرگذار بر شکل‌گیری هر لایه، ساختار و چارچوبی برای طبقه‌بندی ویژگی‌های هر لایه آن و بیان دستورالعمل‌های طراحی ارائه گردیده است. به کمک این چارچوب می‌توان آستانه‌های ورود و خروج بنا را بر اساس اصول شکل‌گیری معماری آستانگی بررسی کرد و در انسجام بخشی به احکام طراحی آن گام مؤثری برداشت.

واژگان کلیدی: ورودی، آستانگی، سلسله مراتب، مرز.

مقدمه

تحقیق با استفاده از اسناد و مدارک کتابخانه‌ای صورت گرفته و از دیدگاه پدیدارشناسی و با انتخاب چند نمونه موردی تحلیل و ارزیابی شده است. با توجه به این که مقاله به نوع خاصی از آستانگی (آستانگی در مکان) و انتخاب نمونه‌هایی از آن، تحت عنوان ورودی‌ها در مقیاس بنا، می‌پردازد، برای تکمیل این مطالب مطالعات آینده خواهند توانست، بر اساس چارچوب مطرح شده، برای بررسی انواع دیگر آستانگی، دستورالعمل‌هایی در معماری ارائه دهند.

۲. واژه‌شناسی

ورودی: درون‌رفت، ورودیه، اجازه ورود، حق ورود، دروازه دخول، ورود، مدخل، بار، درب مدخل، آغاز (Hosseinzadeh Salaty, 2010)؛ مدخل، دخول، ورود، اجازه ورود، حق ورود، آغاز، شروع، ورودیه، راهرو، پاساژ، در، دروازه، باب (ولاستون، ۱۳۷۵: ۵۵۷)؛ در، دروازه، ورودی، که از آن طریق می‌توان وارد بنا یا محدوده‌ای شد. محدوده یا فضایی در مجاورت و مرز بلافاصل آن (Davies, and Jokiniemi, 2008: 137).

ورودی‌ها به عنوان فضایی مبدل جایگاه گذر از جایی به جای دیگر هستند و علاوه بر آن که حریم دو فضای مختلف را نشانه‌گذاری می‌نمایند، عاملی برای تغییر دید، تغییر آب و هوا، تغییر رفتار و تغییر ریتم به‌شمار می‌آیند.

آستانگی^۱: از ریشه کلمه لاتین «لایمن»^۲ به معنای «سر حد»^۳ است (Simpson, and Weiner, 2007) و شامل کیفیت مرحله دوم از «زنجیره روابط تشریفاتی»^۴ در نظریه‌های «آنولد ون گنپ»^۵ و «ویکتور ترنر»^۶ و دیگران است. در سال‌های اخیر با گسترش کاربرد این واژه، علاوه بر آداب و رسوم برای توصیف تغییرات سیاسی و فرهنگی نیز به کار می‌رود (Thomassen, 2009: 5). در این نظریه‌ها هر سلسله مراتب به‌ویژه هر «مرحله عبور»^۸ دربرگیرنده تغییراتی به‌ویژه تغییر در وضع اجتماعی استفاده‌کنندگان آن مرحله است. در طول سلسله مراتب آستانگی، اشخاص در مرزی بین شیوه پیشین ساخت هویت، زمان یا اجتماع‌شان و شیوه جدیدی که سلسله مراتب تبیین می‌کند، قرار دارند.

سلسله مراتب یا زنجیره روابط تشریفات^۹: تشریفات مذهبی، آیین پرستش، تشریفات (Hosseinzadeh Salaty, 2010)، توالی رویدادها یا موقعیت‌ها که به طور خاص به منظور نمایش تغییرات قابل درک تنظیم شده است؛ مانند دیدگاه‌های جمعی، خواسته مذهبی و فرهنگی از پیش تعریف‌شده، اجرای تشریفات مذهبی و فعالیت‌های تشریفاتی عادی اجتماعی (Simpson and Weiner, 2007).

«ون گنپ» تمامی زنجیره‌های روابط را که انتقال از یک موقعیت به موقعیت دیگر و از یک جهان اجتماعی به جایی دیگر برعهده دارند، طبقه‌بندی کرد. او این مراحل عبور یا انتقال را به سه فاز تقسیم و برای آن‌ها از واژه‌های متفاوتی استفاده کرد:

مرحله ۱، فاز «پیوندی»^{۱۰} یا «مرحله مقدماتی»^{۱۱} طیف سلسله مراتب، مرحله ۲، فاز «مرزی»^{۱۲} یا «مرحله آستانه‌ای»^{۱۳} طیف سلسله مراتب، مرحله ۳، فاز «جدایی»^{۱۴} یا «مرحله نهایی»^{۱۵} طیف سلسله مراتب (van Gennep, 1977: 21).

از گذشته‌های دور نام ورودی با نام آستانه عجین شده و آستانه به‌عنوان ورودی، جای خود را در ادبیات عامه باز کرده است. گرچه این تلقی نسبت به آستانه تا حدودی درست است، اما آستانه، طیف معانی گسترده‌تری دارد. آن چه امروزه در شکل‌دهی به مصادیق آستانه باید توجه شود این است که اصول شکل‌گیری آستانگی بر چگونگی طراحی آن‌ها اثرگذار است. در این مقاله سعی شده است ابعاد گسترده این واژه نوظهور بررسی شود. در کالبد معماری و شهرسازی مفهوم این واژه را در تجلی عناصر فضایی گوناگون می‌توان یافت که تا به حال کمتر بدان توجه شده است. به منظور گسترش این واژه در فرهنگ معماری، مقاله سعی می‌کند تجلی‌های مکانی آن را بیان کند و با محدود کردن دامنه تحقیق به یکی از انواع مکان‌های آستانه‌ای، روند شکل‌گیری ساختارمند آن را بررسی کند. گرچه در مطالعات پیشین، به احکام طراحی ورودی یا به تعبیری «آستانه ورود و خروج» اشاره شده است، تمامی آن‌ها به صورت پراکنده به جنبه‌های متفاوت شکل‌گیری این نوع آستانه اشاره می‌کنند. بنابراین بحث در این حوزه می‌تواند با هدف انسجام‌بخشی به احکام طراحی آستانه‌های ورود و خروج، به چارچوبی برای ارائه راهکارهای طراحی آن منجر شود.

۱. چارچوب تحقیق

در مطالعات معماری و شهرسازی، آستانه‌ها را می‌توان در کالبد فضاهای واسط یافت؛ عناصری که گاه از نظر شخصیت چنان قوی و متمایزند که ویژگی‌های مستقلی نسبت به عرصه‌های مجاور خود بروز می‌دهند و در حکم آستانه‌ای برای عبور از یک فضا و داخل شدن به فضای دیگر هستند (علی‌الحسابی و دانشمند، ۱۳۹۰). مطالعاتی که در این خصوص انجام گرفته حاکی از آن است که این مرحله تبدیل و گذر هاله‌ای است شامل طیفی پیوسته که می‌تواند جداگانه بررسی شود (Repenning, 2003) و در تجلی کالبدی برخلاف نفی تقدس در فرم معماری آن، بر وجود لایه‌های ارزشی در حکمت الهی محیط تأکید شده است (Wilson, 2007). با چنین دیدگاهی واضح است که هر یک از فضاهای آستانه باید دارای قابلیت‌های بی‌شماری درون خود باشند تا بتوانند، در این مرحله انتقال، نقش خود را به درستی ایفا کنند. شناخت این قابلیت‌ها معماران را در ساخت و ایجاد چنین فضاهایی یاری خواهد کرد.

در مواجهه با این واژه نوظهور چندین سؤال به ذهن متبادر می‌شود:

۱. واژه «آستانگی» در چه حوزه‌هایی مطرح است؟
 ۲. در معماری مصادیق «آستانگی» در چه مکان‌هایی تجلی دارد؟
 ۳. آیا می‌توان با توجه به اصول شکل‌گیری معماری «آستانگی» چارچوبی برای ارائه راهکارهای طراحی آستانه‌های ورود و خروج تدوین کرد؟
- از ویژگی‌های این پژوهش، استواری آن بر مفاهیم نظری است.

مرز^۶: آستانه، آستانه‌مانند، آستانه‌ای، سرحد (Hosseinzadeh, 2010)، محلّی در مسیر سطح کف بین دو فضای همجوار، پایین‌ترین عضو قاب در (Davies, Nikolas, and Joki- 2008: 382)؛ آستان در که در فرهنگ‌ها از نمادگرایی خاصی برخوردار است؛ انتقال دوسویه که تغییر موقعیت را با توالی تغییرات نشان می‌دهد، آن را یادمانی کرده، بر آن تأکید می‌کند و رویدادها را هدایت می‌کند؛ نقطه شروع احساس.

۳. درباره معماری آستانگی

آستانگی، انتقال‌ها را به سمت فضاهای جدید امکان‌پذیر می‌کند. این انتقال با تغییر همراه است. در این بین دو گونه از آستانگی به چشم می‌خورد: یکی فیزیکی و دیگری حسی. بعضی از تغییرات به نظر زودگذر می‌آیند؛ مانند هنگامی که تغییر در مرز احساس است. برخی دیگر پیچیده‌تر هستند و انتقال‌های طولانی‌تری را باعث می‌شوند.

عوامل متعددی بر شکل‌گیری هر پدیده تأثیرگذار است. در مورد هر کدام از عوامل، حوزه‌های آستانگی متفاوتی قابل‌تصور است که هر کدام در پژوهش‌های جداگانه‌ای می‌توانند به تفصیل مورد بحث قرار گیرند. معماری آستانگی با توجه به هریک از این حوزه‌ها الگوهایی از ساخت آستانگی ارائه می‌دهد که می‌تواند معمار را در دستیابی به اصول و مبانی حاکم بر آن حوزه یاری‌رساند. الگوهای ساخت «معماری آستانگی» را از میان هفت مدل زیر می‌توان جستجو کرد.^{۱۷}

۱-۳. آستانگی در سلسله مراتب یا زنجیره روابط

تشریفات^{۱۸}

«آستانگی» در زمینه سلسله مراتب آداب و رسوم، بر خلاف شرایط و اتفاقات طبیعی که خود به‌خود رخ می‌دهند، مصنوع دست بشر است (Thomassen, 2009: 18). «گت»^{۱۹} زمانی که از تجربه اتفاقات برنامه‌ریزی شده سخن می‌گوید، تفسیری از محدوده آستانه‌ای ارائه می‌کند. او محدوده آستانه‌ای را در اتفاقات روزمره، ایجاد جایگاهی ویژه برای «زمانی خارج از زمان» می‌داند و بیان می‌کند که محدوده آستانه‌ای در زمان برگزاری رویداد موفق هم فضایی و هم زمانی و جدایی‌ناپذیر است (مانند: جشن و کنسرت و کنفرانس) (Falassi, 1987: 4 cited in Getz, 2012: 52). برای مثال در تشریفات مربوط به فارغ‌التحصیلی، فاز آستانه دوره زمانی میانی را شامل می‌شود که تکالیف پیشین به اتمام رسیده است؛ یعنی تمام راهی که شخص برای دریافت مدرک دیپلم طی می‌کند. قرار گرفتن در این بازه انتقالی از تغییر و تحول، به شخص دیدی به مسائل گذشته و چشمی باز به حوادث محتمل در آینده می‌بخشد.

همان‌طور که رفتار و نیز فرآیند ادراک انسان دارای توالی و سلسله مراتب است (شریفی، ۱۳۸۰)، فضای زندگی او نیز باید به‌گونه‌ای انسجام یابد تا عرصه‌های فضایی زندگی (فاصله خصوصی، شخصی، اجتماعی و عمومی)، هماهنگ با حوزه‌های رفتاری عمل نماید. بدین منظور لازم است متناظر با سلسله مراتب فضاها (از خصوصی تا عمومی در لایه ارتباطات انسانی)، سلسله مراتب عرصه‌ها نیز در معماری و شهرسازی حفظ شود.

گیدنز بر آن است که «یک رابطه نسبی و یک همبستگی مثبت میان شدت رابطه متقابل کیفیت فضا با کیفیت فعالیت وجود دارد. سازگاری میان آن دو این رابطه متقابل را عمیق‌تر می‌نماید» (گیدنز، ۱۳۸۳: ۵۷). با این تفسیر هر چه منشأ وجود حباب‌های فضایی، آیینی یا معنوی‌تر شود، عناصر فضایی سازنده حباب، که لزوماً شکلی هم نیستند، از همان ارزش‌ها بهره‌مند خواهند شد؛ برای مثال در سلسله زنجیروار اعمال روزانه فرد مذهبی به منظور ادای تشریفات فرهنگی- اعتقادی و فریضه‌های دینی مانند خواندن نماز، دعا و ذکر با تمرکز ذهن و اندیشه، آن شخص در خود فرو می‌رود، لذا فضایی معنوی و آرام می‌تواند نیازش را برآورد. این‌گونه فضاها را در آستانه ورود تا درونی‌ترین فضاهای اماکن مذهبی می‌توان مشاهده کرد.

۲-۳. آستانگی در زمان^{۲۰}

از زمان «گرت و میش»^{۲۱} به عنوان زمان آستانه‌ای بین روز و شب یاد شده است (Thomassen, 2009: 16). هم‌چنین زمان «ظهر» بازه‌ای انتقالی بین صبح و بعد از ظهر، و نیز نیمه شب آستانه‌ای میان دو روز است. از دیگر زمان‌های آستانه‌ای لحظه تحویل سال در روز اول سال جدید است.

در قرآن آمده است که زمان، ظرف تحول وجود است (سوره عصر: ۶۰). بنابراین دوره‌های زمانی تاریخی، چه کوتاه و چه بلند خواهند توانست به عنوان آستانه، وظیفه ارتباط دو دوره تاریخی قبل و بعد خود را برعهده گیرند. هرچه طول دوره آستانگی بلندتر باشد، شخصیت مستقلاً به خود گرفته، پایداری بیش‌تری از خود نشان خواهد داد و هرچه این زمان کوتاه‌تر باشد، بین خصوصیات دوره قبل و بعد از خود در نوسان است و خصوصیات خاص و پایداری نخواهد داشت و به شرایط تغییر و ناپایداری نزدیک‌تر خواهد شد. از این نوع آستانگی در قرآن به کرات یاد شده است.^{۲۲}

و جعلنا الليل والنهار آیتین... «و ما شب و روز را دو آیت و نشانه قدرت خود قرار دادیم آن‌گاه از آیت شب کاستیم و آیت روز را تابان ساختیم تا شما در روز روزی حلال از فضل خدا طلب کنید و تا آن‌که حساب سال‌ها و ماه‌ها و ایام زمان و حساب اوقات را عموماً بدانید...» (سوره اسراء، آیه ۱۲: ۲۸۳).

یقلب ا... الليل والنهار،... «خدا شب و روز را بر یکدیگر می‌گرداند...» (سوره نور، آیه ۴۴: ۳۵۶).

به غیر از روز و شب که آستانگی‌هایی با طول مدت کوتاه هستند، آستانه‌های طولانی‌تری از زمان هم هستند که هر ساله، به دنبال هم، به وقوع می‌پیوندند و در سال بعد تکرار می‌شوند. تعقیب مناظر در فصول مختلف سال می‌تواند این آستانگی‌ها را به‌وضوح نشان دهد.

۳-۳. آستانگی در بودن^{۲۳}

از دید جامعه‌شناسی، گروه‌های متنوع اقلیت‌ها می‌توانند آستانه‌های قلمداد شوند. در حقیقت مهاجران غیرقانونی و مردمان بی‌جا و مکان از این نوع هستند که بخشی از جامعه‌اند اما گاهی اوقات پیوند کاملی با آن ندارند (Thomassen, 2009: 19).

از دیدگاه اسلامی این نوع آستانگی به دو گونه قابل تحلیل است: الف. هویت وجودی شخص: که در طول دوره حیاتش، به طور دائم، از آستانه‌ای به آستانه‌ای دیگر در نوسان است. این مدل از آستانگی در مراتب ادراکی انسان نمایان است. هر شخص با توجه به مرتبه ادراکی خود به هوشیاری و درک متفاوتی از جهان می‌رسد. از ادراک گیاهی و حیوانی شروع می‌کند و در مراتب بالاتر به درک عقلی و شهودی نائل می‌آید و با طی این آستانه‌ها می‌تواند از نفس گیاهی به نفس روحانی تغییر جایگاه دهد (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱: مراتب ادراکی انسان

نفس انسان	نوع ادراک زیبایی
نفس گیاهی	ادراک حیاط فیزیکی و مکانیکی و زیستی
نفس حیوانی	ادراک از طریق حواس پنجگانه و لذت‌های غریزی
نفس عاقله	ادراک از طریق تفکر و تعقل
نفس روحانی	ادراک از طریق جان و روح

مأخذ: نقره کار، ۱۳۸۵: ۹۶

ب. هستی دنیوی شخص: از این گونه آستانگی و بازه ابتدا و انتهای آن در قرآن بسیار یاد شده است:

و نفخ فی الصور فصعق من فی السموات و من فی الارض ...* «و در شیپور دمیده خواهد شد و هر که در زمین و سیارات باشد بی‌هوش شده و می‌میرد غیر از آن که خدا بخواهد» (سوره زمر، آیه ۶۸: ۴۶۶).

یوم یدعوکم فتستجیبون بحمده و ...* «روزی را که خدا شما را بخواند و شما با حمد و ستایش او را اجابت کنید تصور می‌کنید که جز اندک زمانی (در گورها) درنگ نکرده‌اید.» (سوره اسری، آیه ۵۲: ۲۸۷) بنابراین با توجه به این دو آیه، آستانه‌ای بین بودن و نبودن دنیوی برای تک‌تک انسان‌ها به وقوع می‌پیوندد که ابتدای آن مرگ دنیوی انسان و انتهای آن باززنده‌سازی او در روز قیامت است. در واقع، این نوع از آستانگی مرزی بین واقعیتی پیشین و مشهود و حقیقتی پسین و پنهان است؛ بین ظواهر این دنیا و حقایق دنیای دیگر. برهه‌ای است که شخص گرچه در این دنیا حیات ندارد، در جستجوی حیات و آرامشی ابدی است. قبرها می‌توانند در قالب عناصری کالبدی، متذکر و هویت‌بخش دوره ابتدایی باشند و قیامت مرحله‌ای است که می‌تواند هویت‌بخش دوره انتهایی این آستانگی باشند.

مصادیق این الگوی آستانگی علاوه بر حوزه «هویت وجودی و هستی انسان» در حوزه «معماری فضا» نیز یافت می‌شود و با «بودن یا نبودن هویتی خاص برای بخشی از فضا» یا «خلق مکان» معنا می‌یابد. این نوع آستانگی در «فضاهای انعطاف‌پذیر»، «فضاهای چند منظوره» و «چیدمان‌های داخلی»، مشاهده می‌شود. توجه به چنین تعاریف متغیری از فضا خواهد توانست ما را، در ایجاد ارتباط بین دو فضای همجوار یا در استفاده متغیر و متنوع از فضا یاری رساند.

۳-۴. آستانگی در مکان^{۲۴}

مکان ظرف تحقق وجود است: ان فی خلق السموات و الارض و اختلاف الليل و النهار ... لایات لقوم یعقلون*

«محققاً در خلقت آسمان‌ها و زمین و رفت و آمد شب و روز و کشتی‌ها که بر روی آب برای انتفاع خلق در حرکتند و آب باران که خدا از بالا فرو فرستاد تا با آن زمین را بعد از مردن (و نابود شدن گیاه آن) زنده کرد و سبز و خرم گردانید و در پراکندن انواع حیوانات در زمین و در وزیدن بادها به هر طرف و در خلقت ابر که بین زمین و آسمان مسخر است در همه این امور برای عاقلان ادله‌ای واضح بر علم و قدرت آفریننده است» (سوره بقره، آیه ۱۶۴: ۲۵).

مکان‌های آستانه‌ای می‌توانند گستره‌ای از مرزها و سرحدات، زمین‌های دست‌نیافتنی بشر و مناطق مورد اختلاف تا تقاطع خیابان‌ها و شاید فرودگاه‌ها و هتل‌ها را که مردم در آن‌ها زندگی نکرده و از آن‌ها می‌گذرند، شامل شوند (Illouz, 1997: 96). از این‌رو، تمامی عناصر فضایی و محدوده‌ها که در سیر از یک مکان به مکانی دیگر مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند، می‌توانند به عنوان مکان آستانه‌ای شناخته شوند. درها، پنجره‌ها، غارها، سواحل، رودخانه‌ها، راه‌ها و پل‌ها و بازارها همگی آستانه به شمار می‌آیند. به دلیل آستانگی شرایط همه آن‌ها ناپایدار است و خصوصیات و اطلاعاتی از مکان‌های پیرامون در خود دارند. این آستانه‌ها، گاه علاوه بر وظیفه انتقال، وظایف اصلی و کارکردی به خود می‌گیرند؛ مانند بسیاری از ایوان‌های چند منظوره در معماری گذشته و حال. از این‌گونه آستانه‌های عملکردی می‌توان از بازارها نام برد. هرچه مکان این عناصر قوی‌تر و پر اهمیت‌تر شود، وابستگی آن به فضاهای اطراف کمتر می‌شود و جنبه مستقل به خود می‌گیرند؛ مانند بازارهای دائمی در مقابل بازارچه‌های هفتگی و فصلی (موسمی) در مدت حیاتشان. واضح است که تغییرات بازارهای دائمی در مقایسه با بازارهای فصلی و روزانه کمتر است و بازار، مدت زمان بیش‌تری، هویت خود را حفظ می‌کند.

۳-۵. آستانگی در مذهب^{۲۵}

در زمینه عقاید اجداد، قصه‌های زیادی درباره کسانی که در فضای آستانه (نه در روز و نه شب، نه داخل و نه خارج، نه سوار و نه پیاده بلکه در حبابی از غبار) قرار گرفته‌اند، وجود دارد. هستی آستانه‌ای را می‌توان در هر فضای مقدس مجزا، که زمانی مقدس را نیز به خود اختصاص داده است، یافت. به عنوان مثال در کتاب مقدس مسیحیان داستان «رویای یعقوب»، که بین زمین و آسمان خدا را ملاقات می‌کند، وجود دارد (Carson, 2003: 61).

در دین اسلام چنین نقل قول‌هایی را در روایات اعتقادی مسلمانان از پیامبر اسلام و گاه در قرآن می‌توان دید؛ مواقعی که به لطف و حکمت پروردگار در آستانگی‌ها اتفاقاتی به وقوع می‌پیوندد. مانند شکافتن دیوار کعبه و وارد شدن حضرت فاطمه به آن مکان آستانه‌ای و در نهایت تولد حضرت علی، یا رد شدن حضرت موسی و یارانشان از عرض رود نیل با شکافتن بخشی از آب و ایجاد فضایی آستانه‌ای برای حرکت که از نظر علمی نیز تحقق آن امکان‌پذیر است.

۳-۶. آستانگی در فرهنگ عامه^{۲۶}

این نوع آستانگی که شباهت بسیاری به نوع پیشین دارد در میان عقاید عامه مردم، در فیلم‌ها و نمایشنامه‌ها و داستان‌ها و رمان‌ها، موجودیت می‌یابد. خالق این اثرها با ذهن خلاق و عامه‌پسند خود، اتفاقاتی را به ثبت می‌رساند که امکان قرارگیری شخصیت‌های داستان را در موقعیت آستانه‌ای فراهم می‌آورد؛ مانند بسیاری از آثار هنری مرتبط با «سفر در زمان» یا سریال «اغما» و قرارگیری شخصیت «الیاس» در موقعیت آستانه‌ای.

۳-۷. آستانگی در پژوهش‌های انسان‌شناسی^{۲۷}

در پژوهش‌های مربوط به انسان‌شناسی، شخص مطالعه‌کننده معمولاً در موقعیت آستانه‌ای قرار دارد؛ چرا که او هم در میان مردم است و در فرهنگ مشارکت دارد و هم نظاره‌گر مردم و فرهنگ آن‌هاست (Robben and Sluka, 2007: 76). بنابراین جستجوگر باید خود را در ارتباط با دیگران ببیند و موقعیت خود را در ارتباط با فرهنگ مورد مطالعه دریابد. از این‌رو، فرهنگ و ارتباط با دیگران دو عرصه‌ای هستند که بر او و کار تحقیقاتی وی تأثیرگذارند.

با درک چنین روابطی، در تحلیل هر پدیده باید مشخص کرد که از دیدگاه چه حکمتی بدان نگریسته می‌شود و نیز جایگاه رفتار و اعتقادات مطالعه‌گر درباره آن پدیده چیست و در نهایت باید دقت کرد که در نتیجه‌گیری‌ها در چارچوب حکمت تعیین شده حرکت کرد و نظرات و داوری‌های شخصی خود را وارد نساخت^{۲۸}.

۴. تحلیل معماری آستانگی با شناخت مراتب یا لایه‌های طیف آستانگی

در سامانه هستی انواع آستانگی‌ها به عنوان زیرسامانه‌های معماری طبیعی و مصنوعی، از روند سامان‌پذیری ابرسامانه هستی تبعیت می‌کند. بدین معنی که در عین کثرت همگی آن‌ها دارای رابطه و اصول ثابت درون خود خواهند بود. از این‌رو و با توجه به سه مرحله (لایه) موجود در سلسله مراتب فرآیند انتقال که "ون گنپ" از آن‌ها نام می‌برد، می‌توان عنوان کرد که این سه لایه در فرآیند تغییر و تحوّل تمامی الگوهای آستانگی وجود دارند.

۴-۱. **مرحله اولیّه یا مقدّماتی:** این تغییر با جدا شدن شخص از اجتماع و قواعد حاکم بر آن همراه است؛ به بیان ساده‌تر این مرحله در انواع آستانگی‌ها با مواجهه اولیّه شخص با شرایط آستانه به وقوع می‌پیوندد.

۴-۲. **مرحله آستانه‌ای:** در طول این دوره شخص بین دو وضعیت سرگردان است. نه اینجا و نه آنجا است. به بیان ساده‌تر در حال درک هر یک از مفاهیم هفت‌گانه آستانگی (آستانگی در زمان، مکان و...) است.

۴-۳. **مرحله نهایی:** دوره‌ای است که در آن وضعیت اجتماعی جدیدی برای شخص تبیین می‌شود و ارتباطات جدیدی به وقوع می‌پیوندد. به بیان ساده‌تر شخص در حال گذر از مرحله آستانگی است.

۵. مراحل شکل‌گیری انواع مکان‌های آستانه‌ای

با توجه به این نکته که هر فضا در هستی می‌تواند در حکم آستانه‌ای بین دو فضای دیگر باشد می‌توان کل هستی را به مکان‌های آستانه‌ای تفکیک کرد. در کالبد معماری و شهرسازی

می‌توان به وضوح چهار دسته «مکان آستانه‌ای» مشاهده کرد:

۱. **آستانه ورود و خروج:** به عنوان فضایی مبدل جایگاه گذر از جایی به جای دیگر است و علاوه بر آن که حریم دو فضای مختلف را نشانه‌گذاری می‌کند، عاملی برای تغییر دید، تغییر آب و هوا، تغییر رفتار و تغییر ریتم به شمار می‌آید.

۲. **آستانه تجمعی:** فضایی اغلب ایستا که به منظور تجمع فرد یا اعضای گروهی اجتماعی و تعامل بیش‌تر آن‌ها به وجود می‌آید. بنابراین ضرورت استفاده روزانه آن مشهود است.

۳. **آستانه حرکت انتقالی:** مسیری است اغلب حرکتی؛ جوهره آن، حرکت انتقالی و فیزیکی در راستای طول مسیر است و بدین وسیله، دو عرصه ابتدایی و انتهایی خود را به یکدیگر پیوند می‌دهد. هرچه مسیر طولانی‌تر شود، این حرکت از فضاهای مکث و گذر بیش‌تری عبور خواهد کرد.

۴. **آستانه ارتباط بیرونی:** به منظور افزایش کیفیت فضای معماری به کار می‌رود و می‌تواند با مناظر طبیعی یا مصنوعی اطراف، اغلب به صورت بصری و به ندرت فیزیکی، ارتباط برقرار کند.

در جدول شماره ۲ اسامی مکان‌های آستانه‌ای در این چهار دسته به تفکیک آمده است.

۶. ورودی به عنوان مصداق آستانه از دیدگاه عموم

برخلاف دامنه وسیع فضاهای آستانه، از دیدگاه عموم، آستانه به ورودی‌ها اطلاق می‌شود. هم‌زمان با شکل‌گیری هر مجموعه، از خانه و بلوک‌های مسکونی گرفته تا محله و ناحیه و کل شهر یکی از مسائل مهم مطرح مکان نفوذ به آن است. این که این مکان نفوذ در کجای مجموعه است، چه ویژگی‌هایی دارد و کدام یک می‌تواند به ارتقای نقش آن کمک کند. با توجه به محدودیت تحقیق با بررسی ویژگی‌های «ورودی بنا» که در مطالعات محققان بیان شده است، می‌توان به دسته‌بندی آن‌ها پرداخت (جدول شماره ۳).

تجمیع دیدگاه محققان نشان می‌دهد، بر خلاف تعبیر عموم از آستانه، منظور از ورودی/ فضاهای ورودی، مجموعه‌ای از "عناصر آستانه‌ای کالبدی و فضایی" در بدو ورود است. چرا که در بیان ویژگی‌های این نوع آستانه به صورت ناخواسته از وجود عناصری برای ورود و خروج، تجمع، حرکت انتقالی و ارتباط بصری با بیرون در درون فضای ورودی نام برده شده است (جدول شماره ۳).

از این مطالعات می‌توان چنین نتیجه گرفت که این امر به دلیل تبعیت اجزای هستی از روند سامان‌پذیری ابرسامانه هستی است. اگر کل هستی را ترکیبی از چهار آستانه (ورود و خروج، تجمعی، حرکت انتقالی و ارتباط بیرونی) بدانیم، هر جزء (آستانه) نیز درون خود شامل چهار جزء مشابه (عناصری جهت ورود و خروج به آستانه، تجمع، حرکت انتقالی و ارتباط بصری با بیرون آستانه) است. به عنوان مثال فضای ورودی (آستانه ورود و خروج) می‌تواند شامل عنصر "در" برای ورود و خروج، "هستی" برای تجمع، "دالان" برای حرکت انتقالی و "قاب دید" برای ارتباط بصری با بیرون از فضای ورودی باشد.

جدول شماره ۲: طبقه‌بندی انواع مکان‌های آستانه‌ای

مکان‌های آستانه‌ای	دسته‌بندی انواع مکان‌های آستانه‌ای	آستانه ورود و خروج	آستانه تجمعی	آستانه حرکت انتقالی	آستانه ارتباط بیرونی
بنا	در ورودی بنا	هشتی، بخش‌هایی از حیاط، ایوان و صغه و نیز پذیرایی/ نشیمن خانوادگی و اتاق‌ها	دالان‌ها، راهروها و پلکان‌ها	روزن‌ها، پنجره‌ها و ارسی‌ها (در دیوارها، سقف‌ها و کف‌ها) به همراه تراس‌های متصل به آن‌ها	
واحد همسایگی	طاق ورودی واحد همسایگی	هشتی/ فضای تجمع در مجتمع‌ها/ بین بناهای مسکونی همجوار	کوچه‌های کم عرض و اغلب بن بست	قای‌های بصری به سمت طبیعت موجود در بین مجتمع‌ها/ بناهای مسکونی	
محله	طاق ورودی محله	مراکز جمعی مرکز محله (مساجد یا میادین و...)	خیابان‌های محلی	قاب‌های دید، نرده‌ها و دیگر موانع طبیعی مصنوع در اطراف بوستان‌های محله‌ای	
شهر	دروازه‌های آبی، هوایی و زمینی ورودی شهر (اسکله‌ها، فرودگاه‌ها، ایستگاه‌های راه‌آهن و دروازه‌ها در راه‌های شوسه)(۳۲)	مرکز تجاری یا مذهبی شهر	شریان‌های اصلی شهری	قاب‌های دید، نرده‌ها و دیگر موانع طبیعی مصنوع در اطراف بوستان‌های شهری	

جدول شماره ۳: طبقه‌بندی ویژگی‌های ورودی بنا بر گرفته از مطالعات محققان

الف: فضایی دروازه مانند	ب: نقش نمادین
<p>ورودی باید فضایی مانند دروازه را ایجاد کند، به این معنا که باید هشتی‌ای داشته باشد و راهرویی داخل آن. ورودی یعنی گذار از فضایی گشوده و ورود به قلمرویی مستقل و خصوصی که سرآغاز یا سرانجام یک سفر است (نادری آزاد، ۱۳۸۰: ۳۹).</p>	<p>«آستانه علاوه بر تجلی عملکرد ساختاری- فرهنگی، معرف نمادین نیز است» (گروتر، ۱۹۸۷: ۲۵۱). ورودی خانه باید به نوعی مفهوم استقلال شخصیت ساکنان آن خانه را منتقل کند. ورودی خانه تنها به عنوان سدی در برابر نگاه یا ورود نامحرم نیست، بلکه نمادی است از ذهنیت و ساکنان و افراد آن خانه (نادری آزاد، ۱۳۸۰: ۳۹).</p> <p>همچنین دو سرنمایان مدخل ورودی، به شیوه‌های متنوع و نمادین، مرز درون و بیرون و پیام رسان حد استحکام و امنیت بوده و محل ابراز بزرگ‌بینی و تفاخر شمرده شده است.</p>
ج: کیفیت تعمر	د: حرمت آفرینی
<p>«کیفیت تحذب در ورودی می‌تواند حالتی پس‌زننده به دیدارکننده القاء سازد. در مقابل، کیفیت تعمر در ورودی می‌تواند دیدارکننده را پذیرا باشد (و به او خوش آمد گوید)» (گروتر، ۱۹۸۷: ۲۵۲)</p>	<p>محتوای نمادین یا آیینی ورود به خانه، در سلسله مراتب مسیر میان دنیای خود و غیرخود متجلی بوده و در دفع تعرض و تجاوز کارساز بوده است. در اکثر مطالعات خصلت حرمت آفرینی آستانه ورودی، به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر واجد سلسله مراتب، مورد توجه و تکریم قرار داشته است. (نادری آزاد، ۱۳۸۰: ۳۹)</p>
ه: وجود تزیین در سردرها	و: نمود سلسله مراتب حرکت و دید
<p>سردرها همیشه به صورت یک مجموعه مرکب از تقطیع عناصر و سطوح بهم بافته بوده است. «سردرها»ی سنتی نسبت به نمای بیرونی عقب نشینی کرده اند و از این اختلاف، سطح پیشانی فراهم آمده که محل انجام تزیین برای نمایانی بیشتر بوده است. تبدیل و گذر نیم مربع پایین به کنج‌های عقب کشیده در صورت تأکید بیش تر بر تقدس مکان، با سیستم مقرنس تسلسل می‌یافت تا به همراه نقش نیم گنبد موجود، حالتی مقدس یابند. مانند آنچه در سردرهای مساجد به وضوح دیده می‌شود. (نادری آزاد، ۱۳۸۰: ۳۹)</p>	<p>سلسله مراتب حرکت و دید در ساختمان سنتی در هماهنگی با عملکرد، اقلیم و محیط، فرهنگ و مذهب از ورودی شروع می‌شود. اغلب بناهای سنتی ایرانی، تنها با ایجاد ورودی پرتزین، روزنی مقرر به درون بنا گشوده‌اند که بیانگر پذیرش مشروط در ورود به داخل بناست. به علاوه، محل قرارگیری آستانه ورود به خانه و کیفیت آن، یکی از نمودهای سلسله مراتب ارتباطی و استحفاظی افراد خانواده (درون خانه) با سایرین است (حائری، ۱۳۷۵: ۲۰).</p> <p>ایوان بلند و زیبای ورودی خانه با گشاده‌رویی از میهمان استقبال می‌کرد. میهمان هر که بود پس از ورود در هشتی منتظر می‌ماند تا نامحرمان روی گیرند، و آنگاه که می‌خواست از هشتی به درون خانه رود از راهرویی می‌گذشت که دید مستقیم به صحن نداشته باشد. میهمان اگر مرد بود در بیرونی مورد استقبال و پذیرایی قرار می‌گرفت و اگر زن بود به اندرونی هدایت می‌شد و به جمع بانوان خانه می‌پیوست» (کارشناس، ۱۳۷۶: ۳۹).</p>
ز: جداسازی فضای عمومی (بیرونی) از خصوصی (اندرونی)	ح: فضایی مرکب از عناصر برای وقفه و مکث آنی و تغییر حس و حال مربوط برای تغییر فضا
<p>جداسازی فضاهای عمومی و خصوصی در واحدهای مسکونی موجب تأمین استقلال و خلوت فضاهای خصوصی شده، بر کارایی فضاهای عمومی می‌افزاید و در وضعیت پهنه در بدو ورود به واحد مسکونی صورت می‌پذیرد (به وسیله هشتی، دالان و ...) (نادری آزاد، ۱۳۸۰: ۳۷).</p>	<p>«آستان ورودی» مرکب از دروازه، تاق، آستانه، درگاه، هشتی، سکو و درب است. وقفه و مکث آنی در مجموعه حجمی و مفصلی «سردر» با همه الحاقات آن، فرصتی است تا انسان به تناسب ادراک پیام اولیه، (که بار رمز و نماد در شکل حجمی سردر تجسم می‌یابد) از حس و حال مربوط برای تغییر فضا بهره‌مند شود.</p> <p>با گذشتن از «آستانه»، انسان وارد حوزه دیگری می‌شود، در بدو ورود به بنای سنتی، مواجهه با سقفی کوتاه و فضایی تاریک، با منافذ نوری تعبیه شده در سقف، شخص را به محض ورود تحت تأثیر آنی این تغییرات قرار می‌دهد. حرکت رو به جلو در مسیر دهلیز، از میان هشتی می‌گذرد. هشتی حد میانی و مفصل فضایی تنظیم کننده حدود عرصه‌های اطراف آن است.</p>

ط: استفاده از کشش فضایی جهت القای حس خصوصی یا عمومی بودن مسیرهای ارتباط دهنده	ی: وجود عملکردهای متنوع
«استفاده از تأثیرات روانی و کشش‌های فضایی جهت القای خصوصیت و عمومیت مسیرهای ارتباط دهنده (ابعاد و اندازه، وضعیت قرارگیری، سایه و روشن و...) در این مرحله از ورود می‌تواند و باید امنیت و استقلال درونی و بیرونی را تأمین کند. طبیعی است توان اقتصادی ...، رابطه‌ای غیر مستقیم ولی تعیین کننده با میزان این جدایی و رعایت سلسله مراتب محرمیت حریم‌ها داشته و تأمین آن در واحدهای کوچک‌تر به طرق دیگر باید صورت پذیرد.» (نادری آزاد، ۱۳۸۰: ۳۷)	این مفصل فضایی علاوه بر نقش پیوندی و محرمیت‌آفرین آن، عملکردهای متنوعی را شامل می‌شود: «ورودی فضایی است شاخص و امکان مکث را به اندازه لازم فراهم می‌آورد. فضاهای خانه در بدو امر معلوم نیست و به تدریج آشکار می‌شود. فضای ورودی در خانه‌های تاریخی این امکان را فراهم می‌آورد که اعمالی چون مذاکره، دیدارهای سریع و غیر رسمی، رد و بدل کردن مایحتاج و از این قبیل در آن صورت پذیرد.» (حائری، ۱۳۷۵: ۲۰).
ک: تسهیل، کنترل و طولانی نمودن مسیر حرکت از بیرون به درون:	ل: رویارویی عمودی و تماشای صحنه‌ها پس از ورود:
پس از آن با گذر از مسیر راهرو و غلامگردش، امکان حس تعادل کامل در ترکیب‌بندی عرصه‌های مرتبه‌دار پدید می‌آید. «بنابراین یکی از اهداف مهم در طراحی فضای ورودی خانه‌ها نه تسهیل حرکت، بلکه کنترل آن و طولانی نمودن مسیر حرکت از بیرون به درون بوده است.» (صارمی و رادمرد، ۱۳۷۶: ۶۲)	غالب بناهای سنتی ایرانی احساس‌آشنای خود را به ناظر با ورود به درون منتقل نموده‌اند. فضای سنتی ایرانی معمولاً همیشه در جهت افق آن (در پلان) قابل ادراک نیست، بلکه ادراک پلان‌های هندسی و پوزانده سنتی، در رویارویی عمودی و تماشای صحنه‌ها، در ترکیبات فضایی ممکن می‌گردد. لذا اوج اعجاز در اغلب خانه‌های ایرانی، بر سطوح نماهای درون بیش‌تر است و این نکته اهمیت خطیر جداره‌ها در ادراک فضا را خاطر نشان می‌کند. دیوارها از کف تا زیرسقف، طی حرکتی بالا رونده پیوسته در تقسیم، اوج می‌گیرند، آنان وقفه‌های لحظه‌ای در تماشای دارند تا به بیننده فرصت تعقیب خطوط شکل‌دهنده به فضا را بدهند. (عینی فر، ۱۳۸۲: ۷۲)

عناصری برای سکون و حرکت و نیز لایه دسترسی با عناصری برای ارتباط بصری با محیط پیرامون، به ترتیب با خطوط و فلش‌های زرد، نارنجی و قرمز دیده می‌شوند (دانشمند، ۱۳۸۶).

در نهایت، پس از بررسی و طبقه‌بندی ویژگی‌های ورودی در مطالعات محققان و با بیان این نکته که با توجه به نمودار شماره ۱ در شکل‌گیری هر لایه از فضا (زیرسامانه)، چهار علت (فاعلی، مادی، صوری و غایی) تأثیر گذارند، می‌توان بر اساس این علل و سه لایه عنوان شده در فرآیند تغییر و تحول آستانگی، جدولی تنظیم نمود (جدول شماره ۴). بر پایه این جدول می‌توان هر یک از ویژگی‌های دسته‌بندی شده ورودی بنا (مستخرج از جدول شماره ۳) را بر اساس اینکه بیش‌ترین تجلی آن ویژگی در کدام لایه اتفاق می‌افتد و نیز کدام علت بیش‌ترین اثر را بر ایجاد آن ویژگی خاص داشته است، در جدول شماره ۴ در خانه مناسب مکان‌یابی کرد.



تصویر شماره ۱: آستانه ورودی در مقیاس محله
 مأخذ: دانشمند، سارا، ۱۳۸۶

۷- ارائه دستورالعمل‌های مورد توجه در طراحی ورودی

فضای ورودی مانند دیگر فضاهای آستانه‌ای شامل طیفی به منظور تغییر و تحول است که دارای سه مرحله یا لایه در تطابق با سه مرحله طیف آستانگی است. در هر کدام از این مراحل، جایگاه "چهار عنصر کالبدی و فضایی" را در لایه‌های فضای ورودی می‌توان مشاهده کرد.

۷-۱. مرحله اولیّه یا لایه آشنایی

با دور شدن از عرصه پیشین و نمایش تدریجی عرصه‌هایی که بعد از آن قرار دارد، حس انتظار را در فرد زنده می‌کند. در این لایه "عناصری برای ورود و خروج" تعبیه و پیش‌بینی شده است.

۷-۲. مرحله آستانه‌ای یا لایه عملکردی - تماسی

با قراردادی مجموعه‌ای از خدمات متناسب با آن و بهره‌گیری از عناصر معماری گذشته به مخاطب حس آشنایی را منتقل می‌کند و با وارد کردن عناصری از معماری عرصه بعدی باعث آمادگی شخص برای ورود به عرصه‌ای متفاوت می‌شود. در این لایه "عناصری برای تجمع و نیز حرکت انتقالی" (فضاهای سکون و حرکت) موجود است.

۷-۳. مرحله نهایی یا لایه دسترسی بصری

در این لایه، خطوط ارتباطی جدید، عرصه‌های ورای خود را بر اساس سلسله مراتب دسترسی به آن‌ها تنظیم می‌کند و به شخص می‌نمایاند. بنابراین در این لایه نیز "عناصری برای ارتباط بصری با بیرون" قرار می‌گیرند.

در مطالعه‌ای در این خصوص (تصاویر شماره ۶-۴)، آستانه ورود و خروج در سه مقیاس مشخص شده است. همان‌گونه که تحلیل‌های ترسیمی نشان می‌دهند در هر مقیاس سه لایه دیده می‌شود: لایه آشنایی با عناصری برای ورود و خروج، لایه عملکردی - تماسی با



تصویر شماره ۳: آستانه ورودی در مقیاس واحد مسکونی
مأخذ: دانشمند، سارا، ۱۳۸۶



تصویر شماره ۲: آستانه ورودی در مقیاس واحد همسایگی
مأخذ: دانشمند، سارا، ۱۳۸۶

زیر سامانه معماری آستانگی	زیر سامانه فرهنگی و محیطی	انسان: انگیزه‌ها و استعدادها و ویژگی‌های روحی و جسمی؛ محیط	علت فاعلی
	زیر سامانه سازه‌ای	مواد و مصالح، ساختار سازه‌ای و کالبدی بنا؛ توده و ساختار	علت مادی
	زیر سامانه کالبدی	شکل و صورت فضا؛ فرم؛ حجم؛ هندسه و زیبایی	علت صوری
	زیر سامانه کارکردی	نمایش سلسله مراتبی از فضاها و کارکردها برای تعالی و هویت بخشی	علت غایی

نمودار شماره ۱: زیر سامانه معماری آستانگی^{۳۹}

جدول شماره ۴: طبقه‌بندی خصوصیات آستانه ورود و خروج بنا بر اساس سه لایه آستانگی و چهار علت فاعلی

لایه دسترسی بصری	لایه عملکردی - تماسی	لایه آشنایی	علت
ل: رویارویی عمودی و تماشای صحنه‌ها پس از ورود	ز: فضایی مرکب از عناصر برای وقفه و مکث آنی و تغییر حس و حال مربوط برای تغییر فضا	د: حرمت آفرینی	علت فاعلی (زیر سامانه فرهنگی محیطی) انسان (انگیزه‌ها و استعدادها و ویژگی‌های روحی و جسمی) و محیط
ح: جداسازی فضای عمومی (بیرونی) از خصوصی (اندرونی)	ب: فضایی دروازه مانند	ج: کیفیت تععر	علت مادی (زیر سامانه سازه‌ای) مواد و مصالح، ساختار سازه‌ای و کالبدی بنا؛ توده و ساختار
ط: استفاده از کشش فضایی جهت القای حس خصوصی یا عمومی بودن مسیرهای ارتباط دهنده	ه: وجود تزئین در سردرها	الف: نقش نمادین	علت صوری (زیر سامانه کالبدی) شکل و صورت فضا؛ فرم؛ حجم؛ هندسه و زیبایی
و: نمود سلسله مراتب حرکت و دید	ی: وجود عملکردهای متنوع	ک: تسهیل، کنترل و طولانی نمودن مسیر حرکت از بیرون به درون	علت غایی (زیر سامانه کارکردی) نمایش سلسله مراتبی از فضاها و کارکردها برای تعالی و هویت بخشی

جدول شماره ۴ چهار چوبی برای ارائه منسجم تر دستورالعمل‌های طراحی فراهم می‌آورد. به عنوان مثال با توجه به علت فاعلی (تناسب ورودی بنا با محیط فرهنگی و نیازهای جسمی و روحی شخص) به منظور تقویت لایه آشنایی باید دستورالعمل‌هایی در جهت حرمت‌آفرینی و به منظور تقویت لایه عملکردی - تماسی باید دستورالعمل‌هایی در جهت ایجاد فضاهای ترکیبی مکث و انجام فعالیت تنظیم شود. هم‌چنین به منظور تقویت لایه

دسترسی بصری باید دستورالعمل‌هایی در جهت کنترل کیفیت دید بیان شود. مجموعه‌ای از این دستورالعمل‌ها در جدول شماره ۵ دسته‌بندی شده‌اند. در بررسی هر نمونه موردی با توجه به ضعف در هر بخش - به منظور تقویت و بهسازی ویژگی‌های آن لایه خاص به تناسب علل ایجادکننده آن‌ها - می‌توان از دستورالعمل‌های خاص آن بخش استفاده کرد.

جدول شماره ۵: خصوصیات، لایه‌بندی و دستورالعمل طراحی آستانه ورود و خروج بنا

علت	لایه آشنایی	لایه عملکردی - تماسی	لایه دسترسی بصری
علت فاعلی (زیرسامانه فرهنگی محیطی)	- سهولت ورود از عرصه خصوصی به عمومی و دشواری ورود از عرصه عمومی به خصوصی، - پیش‌بینی دید مناسب از بیرون به درون و بالعکس - ابهام‌آمیزی و کاهش دید به عرصه‌های درونی، - تنظیم برای ورود متناسب با نوع و جهت حرکت و دید انسان در عرصه قبل از آن.	- طراحی ورودی به عنوان فضا و نه مرز؛ یعنی مجموعه‌ای از فضاها برای تفکیک عرصه‌ها، - شناسایی رفتارهای انجام‌پذیر در ورودی و پیش‌بینی فعالیت‌های مناسب در اطراف آن، - طراحی فضا متناسب با نیازهای روحی و مادی انسان، - امکان ایجاد وقفه‌های کوتاه برای حرکت و ثبات فکری.	- امکان انتخاب مسیر پس از گذر از ورودی، - سهولت ورود به عرصه‌های عمومی و دشواری ورود به عرصه‌های خصوصی، - پیش‌بینی دید مناسب به عرصه‌های پس از ورود متناسب با نوع عرصه خصوصی یا عمومی، - تنظیم برای ورود متناسب با نوع و جهت حرکت و فعالیت انسان در عرصه پس از آن.
علت مادی (زیرسامانه سازه‌ای)	- پرهیز از اتصال بی‌واسطه ورودی - حفظ محصوریت در امتداد حرکت - ایجاد حس دعوت‌کنندگی با کمک کیفیت تقعر در توده و ساختار آستانه ورود - تغییر و تبدیل ریتم و عناصر رؤیت شده آن به تدریج از نشانه‌های عرصه بیرونی به نشانه‌های مربوط به عرصه درونی.	- قرارگیری در مرز بین درون و برون - استفاده از عناصر فیزیکی هماهنگ با زمینه در کف، بدنه و سقف - بهره‌گیری از این عناصر برای تغییر رفتار و کاهش سرعت شخص، برای شاخص ساختن ورودی و معرفی آن به عنوان نقطه عطف، - پیش‌بینی مبلمان مورد نیاز.	- هدایت جهت و شکل‌دهی به مسیرهای حرکتی به منظور جداسازی فضاهای عمومی و خصوصی پس از آن با کمک توده و ساختار، - حفظ محصوریت در امتداد حرکت، - تغییر و تبدیل ریتم و عناصر رؤیت شده آن به تدریج از نشانه‌های عرصه بیرونی به نشانه‌های مربوط به عرصه درونی.
علت صوری (زیرسامانه کالبدی)	- توجه به امکان، رویدادها و نشانه‌های عینی و ذهنی، یادآور خاطرات جمعی در طراحی ورودی با استفاده از عناصر کالبدی بستر عمومی به عنوان نشانه‌ای برای افراد، - تبعیت سازمان ورودی از سازمان لبه‌های پیرامون و عدم برهم زدن ریتم و تداوم لبه‌های پیرامون، - ایجاد جاذبه بصری و نمایش شخصیت کالبدی، - استفاده از هندسه‌های خطی برای ایجاد فضاهای حرکتی، - تناسب گشادگی فضای ورود با خصوصی یا عمومی بودن عرصه‌های دو طرف.	- قابل تمایز از سایر ورودی‌ها و هماهنگ با آن‌ها، - تناسب حجم ورودی با میزان فعالیت، - استفاده از هندسه‌های ساکن یا مرکزگرا برای ایجاد فضاهای سکون، - استفاده از فرم‌ها و احجام متناسب با نوع ورودی، - استفاده از تزئین‌ها بر اساس معیارهای زیبایی‌شناسی متناسب با هرسه مقیاس ورودی.	- استفاده از هندسه‌های خطی برای ایجاد فضاهای حرکتی، - تعیین نفوذپذیری فیزیکی و بصری فضاهای اطراف آن بر اساس سلسله مراتب قرارگیری آن‌ها، - ایجاد حس خصوصی و عمومی بودن مسیرهای اتصال دهنده با کمک عرض، ارتفاع و روشنایی مسیرها، - ایجاد جاذبه بصری به فضاهای پس از ورود در انتهای مسیر حرکتی.
علت غایی (زیرسامانه کارکردی)	- ایجاد سکانس‌های طولانی و پدانه برای ورودی‌های اصلی نسبت به فرعی، - تغییر در جهت‌گیری ورود متناسب با کالبد شهری و عرصه قبل از آن، - تسهیل حرکت و دید متناسب با نوع عرصه بعدی و اهداف ورودی.	- ترکیب فضاهای مکث و گذار، - تبیین چگونگی ترکیب و جهت‌بخشی به مجموعه این فضاها متناسب با اهداف ورود، - افزایش زمان گذر از یک لحظه به زمان قابل درک و فراهم آوردن امکان درک عبور، - شناسایی رفتارهای انجام‌پذیر در ورودی و پیش‌بینی فعالیت‌های مناسب در درون آن.	- القاء سلسله مراتب و تنظیم حرکت و دید با سامان‌دهی چند لایه و سلسله مراتبی آن، - تغییر در جهت‌گیری ورود متناسب با خصوصی یا عمومی بودن عرصه پس از آن.

نتیجه‌گیری

بر خلاف آن‌چه عامه مردم می‌پندارند، آستانه‌ها نه فقط ورودی بلکه شامل تمام فضاهایی است که در انتقال از یک فضا به فضای دیگر نقش اساسی برعهده دارند. با این تفسیر، آستانگی وضعیت بحرانی انتقال - چه فیزیکی و چه حسی - است که کاملاً در شخصیت از تجربه‌های پیشین و پسین خود متمایز است و در معماری آستانه‌ها به منصفه

ظهور می‌رسد و مبتنی مجموعه اصول ثابت در سیر از ظاهر به باطن و از کالبد به محتواست که به صورت الگوهای آستانگی متفاوتی در هر پدیده قابل رؤیت است. هر یک از این الگوهای هفت‌گانه شامل عناصر تشکیل‌دهنده‌ای است که با قرارگیری سلسله مراتبی خود در سه لایه ابتدایی، آستانه‌ای و نهایی، در شناسایی اصول ثابت تشکیل‌دهنده هر مرحله از مراحل گذر، به پژوهشگر، کمک می‌کند.

با شناخت الگوهای آستانگی هفت‌گانه‌ای که بر معماری هر اثر تأثیر می‌گذارد و با محدود کردن دامنه تحقیق به نمونه‌های "آستانگی در مکان"، در نهایت چهار دسته آستانه (آستانه ورود و خروج، آستانه تجمعی، آستانه حرکت انتقالی و آستانه ارتباط بیرونی) شناخته شد که هر یک درون خود شامل طیفی مشابه از عناصر کالبدی و فضایی آستانه‌ای (عناصری برای ورود و خروج، تجمع، حرکت انتقالی و ارتباط بصری با بیرون) هستند. منطبق با سه لایه طیف آستانگی، لایه‌های سه‌گانه مکان‌های آستانه نیز تحت عناوین لایه آشنایی، لایه عملکردی-تماسی و لایه دسترسی بصری نام‌گذاری شد. از ابتدای ورود هر فرد به درون خانه تا رسیدن به آخرین فضای تعاملی او با محیط اطراف همه فضاهای موجود را می‌توان مکان‌های آستانه‌ای دانست که درون خود شامل طیفی از عناصر آستانه‌ای کالبدی و فضایی است و از این طریق به شخص در عبور از مراحل فضا کمک می‌کند: عناصر ورودی به شخص در گذار از مرحله اول (آشنایی با محیط)، عناصر تجمعی و حرکت انتقالی با ترکیبی از انواع فضاهای مکث و حرکت در گذار از مرحله دوم (تماس با محیط و عمل در آن) و عناصر ارتباط انتقالی با قاب‌های دید و لمس طبیعت پیرامون در گذار شخص از مرحله سوم (دسترسی به عرصه‌های پیرامونی). با انتخاب ورودی‌ها به‌عنوان یکی از انواع مکان‌های آستانه و بهره‌گیری از دسته‌بندی ویژگی‌های ورودی در مطالعات محققان، ویژگی‌های هر یک از سه لایه ورودی بر اساس "علل چهارگانه مؤثر بر شکل‌گیری هر جزء از محیط (زیرسامانه)" شناسایی شد و در خصوص هر لایه دستورالعمل‌هایی به منظور توانایی طراحی بهینه در جهت رسیدن به هدف پژوهش (ارائه ساختار و چارچوبی برای بررسی آستانه‌های ورود و خروج بر اساس اصول شکل‌گیری معماری آستانگی) ارائه شد.

پی‌نوشت‌ها

1. Entrance
2. Liminality
3. Limen
4. Threshold
5. Ritual
6. Arnold van Gennep
7. Victor Turner
8. Rite of Passage
9. Ritual
10. Reaggregation
11. First or preliminary stage
12. Margin
13. The liminal stage
14. Separation
15. The final or post liminal stage
16. Threshold

۱۷. این روش بر اساس کتاب Complicity (William Hubbard and Conviction) پیشنهاد شده است. بنابراین معماری آستانگی به

روشی مشابه تجزیه و تحلیل می‌شود.

20. Liminality in rituals
19. Getz
20. Liminality in time
21. Twilight
۲۲. از این نوع آستانگی به کرات در قرآن نام برده شده است: (مؤمنون، آیه ۸۰: ۳۴۷)، (همان، اعراف، آیه ۵۴: ۱۵۷)، (قصص، آیه ۷۲-۷۱: ۳۹۴)
23. Liminality of beings
24. Liminality in places
25. Liminality in religion
26. Liminality in popular culture
27. Liminality in ethnographic research
۲۸. برای اطلاعات بیشتر در این مورد ر.ک: Makagon, and Neumann, 2009 و Moretti, 2008.
۲۹. بر پایه نمودار سامانه معماری. ر.ک. نقره کار، ۱۳۸۵: ۷۲.

فهرست منابع و مراجع

۱. قرآن کریم، مهدی الهی قمشه‌ای، چاپ اول، (۱۳۹۱)، پیام عدالت، تهران.
۲. حائری، محمد رضا (۱۳۷۵)، «طراحی مسکن امروزی و اصول معماری خانه‌های سنتی»، فصلنامه آبادی، سال ششم، شماره ۲۳، زمستان.
۳. دانشمند، سارا (۱۳۸۶)، نقش مفصل در طراحی فضاهای مسکونی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران.
۴. شریفی، سرمه (۱۳۸۰)، «مفهوم حد و ترکیب‌های معمارانه»، مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ۲۹-۲۵ فروردین ماه ۱۳۷۸ ارگ بم - کرمان، جلد چهارم، سازمان میراث فرهنگی کشور.
۵. صرمی، علی اکبر و تقی رادمهر (۱۳۷۶)، ارزش‌های پایدار در معماری ایران، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
۶. علی‌الحسابی، مهرا و سارا دانشمند (۱۳۹۰)، «جایگاه و نقش مفصل در معماری دیروز و امروز»، طرح و نماد (صص ۷۴-۵۵)، سال سوم، شماره سوم، بهار و تابستان، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
۷. عینی فر، علیرضا (۱۳۸۲)، «الگوی برای تحلیل انعطاف‌پذیری در مسکن سنتی ایران»، هنرهای زیبا (صص ۷۲)، شماره ۱۳، بهار، انتشارات دانشگاه تهران.
۸. کارشناس، مجید (۱۳۷۶)، «مسکن، معماری، شهرسازی معاصر و تهاجم فرهنگی»، دانشگاه اسلامی (صص ۴۲-۳۸)، سال اول، شماره ۳، زمستان.
۹. گروتز، یورگ (۱۹۸۷)، زیبایی‌شناسی در معماری، پاکزاد، جهان‌شاه، همایون، عبدالرضا، چاپ پنجم، (۱۳۸۸)، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۱۰. گیدنز، آنتونی (۱۹۸۷)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ دوازدهم، (۱۳۸۳)، نشر نی، تهران.
۱۱. مغاره، وحید (۱۳۸۶)، دروازه و ورودی شهر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین.
۱۲. نادری آزاد، بابک (۱۳۸۰)، «ویژگی‌های عملکردی مسکن در بافت‌های سنتی»، معماری و فرهنگ (صص ۴۳-۳۳)، سال دوم، شماره ۸، بهار.

28. van Gennep, Arnold (1960), **The Rites of Passage** (1977), London, Available at: <http://books.google.com>.
29. Wilson, David (2007), **The (LIM) material, Threshold in the American Sacred**, M.S., University of Minnesota.

۱۳. نقره کار، عبدالحمید (۱۳۸۵)، **حکمت هنر اسلامی**، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.

۱۴. ولاستون، آرتوران (۱۳۷۵)، **فرهنگ بزرگ کمانگیر**، ترجمه سیاوش صلح جو، چاپ دوم، انتشارات کمانگیر و نشر علمی فرهنگی آفیران، تهران.

15. Carson, Timothy L. (2003), **Transforming Worship**, Chalice Press, Available at: <http://books.google.com>.
16. Davies, Nikolas, and Jokiniemi, Erkki (2008), **Dictionary of Architecture and Building Construction**, Elsevier Ltd., First edition. Available at: <http://books.google.com>.
17. Falassi, Alessandro (1987), **“Festival: Definition and Morphology”**. In Time out of Time: Essays on the Festival, 1-12. Albuquerque: University of New Mexico Press, quoted in Getz, D. (2012), Event studies: theory, research and policy for planned events, 2nd ed., Routledge New York: Routledge. Available at: <http://books.google.com>.
18. Hosseinzadeh Salaty, Saïied Ali (2010), **Salaty English-Farsi Dictionary**, Babylon Ltd.
19. Hubbard, William (1982), **Complicity and Conviction: Steps toward an Architecture of Convention**, MA: MIT Press Ltd, Cambridge.
20. Illouz, Eva. (1997), **Consuming the Romantic Utopia: Love and the Cultural Contradictions of Capitalism**, University of California Press, California. Available at: <http://dyndns.org>.
21. Makagon, Daniel, and Neumann, Mark (2009), **“Recording Culture: Audio Documentary and the Ethnographic Experience”**, Hardy, Charles in Oral History, Vol. 37, No. 2, Community and Creativity, autumn, pp. 111-113. Available at: <http://www.jstor.org/stable/40650301>.
22. Moretti, Cristina (2008), “Places and Stages: Narrating and Performing the City in Milan, Italy”, **Liminalities: A Journal of Performance Studies**, Vol. 4, No. 1, March. Available at: <http://liminalities.net/4-1/moretti.htm>.
23. Repenning, Sara Spring (2003), **An Architecture of Liminality**, M.S. Thesis, University of Cincinnati, Cincinnati. Available at: <http://etd.ohiolink.edu/view.cgi?ucin1068668764>.
24. Robben, A. and Sluka, J. (2007), **Ethnographic Fieldwork: An Anthropological**
25. Reader (2012.) 2nd ed., **Blackwell Publishing Ltd**, <http://books.google.com>.
26. Simpson, J.A., and Weiner, E.S.C. (1989), **Oxford English Dictionary**, 2nd ed., Clarendon Press, Oxford, OED Online Oxford, 2007.
27. Thomassen, B. (2009), “The Uses and Meanings of Liminality”, **International Political Anthropology** 2 (1): 5-27. Available at: www.politicalanthropology.org.

